

لطفاً توقع‌تان را پایین بیاورید

❏ «جزء از کل» نماد یک شروع توفانی است. بند اول داستان حتی چیزی فراتر از این است و احتمالاً مدت‌ها در یاد خواننده باقی خواهد ماند. زمین‌گذاشتن کتاب در نیمه ابتدایی امری نزدیک به محال است و چنین شروعی یعنی ما احتمالاً با یک شاهکار طرفیم؛ صفتی که از منتقد و نویسنده و کتابفروش و کتابخوان و... به راحتی پای اثر می‌گذارند. به نظر من جزء از کل شاهکار نیست و حتی عنوان اثر خوب را هم وامدار نیمه اول داستانی است که پرداخته. جزء از کل حتی نمونه کاملی است از آنچه یک نویسنده نباید در نیمه دوم کتاب خود بر سر آنچه در نیمه اول به بار نداشته، بیاورد.



محمدعلی یزدانیار

قفسه کتاب



نویسنده:

استیو تولتز

مترجم:

پیمان خاکسار

انتشارات:

چشمه

صفحه ۶۵۶

۱۶۰۰۰ تومان



نویسنده:

مهرداد صدقی

انتشارات:

سوره مهر

صفحه ۲۰۹

۴۵۰۰۰ تومان

جز از کل همان‌طور که نویسنده و منتقدان و اهالی فن گفته‌اند داستانی است درباره ترس از مرگ که توسط جاسپر، پسر مارتین دین روایت می‌شود. اساس داستان بر روابط متشنج و ناخوشایند بین پدر و پسر بنا شده اما هرچند هستند جاهایی جاسپر از شباهت‌های خودش و پدرش با ترس و لرز صحبت می‌کند ولی در حقیقت این شباهت‌ها بسیار پررنگ‌تر از آن است که ما را به عمق تضاد والد و فرزند رهنمون سازد. جاسپر یک مارتین دیگر است با شرایط کمی متفاوت که گاهی خواننده را به این بهت می‌رساند که اصلاً چرا این دو نفر با این حجم از شباهت دچار چنین مشکلاتی هستند. با این همه، سخت می‌توان حداقل از دیدگاه یک خواننده از نیمه اول جزء از کل ایراد زیادی گرفت. جزء از کل را نیمه دومش از نفس انداخته است. هرچه خواندن نیمه اول این اثر لذت‌بخش است خواندن نیمه دوم آن امری سخت خواهد بود. تمام قواعدی که در نیمه اول داستان به هم چفت و بست شده است با اتفاقاتی فیلم‌فارسی‌وار مضحکه می‌شود. ماجرای تری دین - عموی جاسپر - که بخش مهمی از نیمه دوم اثر را به خود اختصاص داده است مرکز این اتفاقات بی‌قاعده و بی‌معنی است و داستان را می‌توان دقیقاً از جایی که سرنوشت مارتین دین مشخص می‌شود ادامه داد. ۶۰-۵۰ صفحه پایانی جزء از کل نه تنها سرهم‌بندی شده بلکه اساساً اضافی است. جزء از کل اثری است قابل قبول که درباره سطح و اثرگذاری‌اش به شدت اغراق شده است. رمان نه در داستان و نه در اندیشه پای خود را از سطح دورتر نمی‌گذارد و احتمالاً تبلیغات در تب‌گیری کتاب اثر زیادی داشته و گرنه پنج سال پیش از جزء از کل، پی‌یر، استرالیایی با «تابستان گند و زنون» من‌بوکری را برد که نامزدی‌اش را برای جزء از کل در بوق و کرنا می‌کنند؛ جایزه‌ای که ببر سفید آراویند آدیگا در سال ۲۰۰۸ برنده شد.

اگر هنوز «جزء از کل» را نخوانده‌اید، توقع‌تان را پایین بیاورید و احتمالاً به نتیجه بهتری خواهید رسید. توقع من زیاد بود و این شد که سه چهار سالی است ریگ روان - اثر دوم تولتز - در قفسه کتاب‌هایم خاک می‌خورد. ❏

مروری بر رمان «دومین نشان مردی» اثر مهرداد صدقی

۲ نسل و نشانه‌های یکسان



مهدیه جاهد

قفسه کتاب

❏ «دومین نشان مردی» قصه تفاوت بین نسل هاست؛ تفاوت در ارتباط برقرار کردن، عاشق شدن و تشکیل زندگی اما در عین حال نتیجه یکسان. صدقی این تفاوت را در زندگی یک پدر و پسر به داستان آورده است. از نوع ازدواج نیمه‌سنتی پدر تا عاشقی مدرن پسر. قصه از زبان حامد، پسر داستان که دانشجوی دکتراست روایت می‌شود و در طول آن خاطراتی از زبان پدر، مادر یا سایر شخصیت‌ها روایت می‌شود. ظاهراً موضوع حول پایان نامه‌نویسی پدر و پسر است که هر دو در دانشگاه یکسان مشغول تحصیلند در دو مقطع متفاوت و چالش‌های دو نسل در روش تحصیل اما در واقع حامد در این میانه دنبال کشف است؛ کشف رازی در رفتار عجیب پدرش بعد از دیدن عکس خانوادگی روی دیوار. محیط داستان گاهی در دانشگاه و گاهی در خانه می‌گذرد. شخصیت‌ها، همین آدم‌های معمولی دور و بر خودمان هستند. همین آدم‌ها که اکثرمان تجربه برخورد با آنها را داشته و داریم. از پدر حامد گرفته که بازنشسته است و ناگهان هوس تحصیلات تکمیلی کرده تا دوست صمیمی‌اش آقای عطاری و دیالوگ‌هایی که بین‌شان جاری است.

صدقی خودش را به عنوان نویسنده طنز معرفی کرده است. او در کتاب‌های دیگرش، مخصوصاً سری آبنبات‌ها توانسته این توانایی‌اش را ثابت کند؛ طنزی مودبانه، غیرزننده و برخاسته از متن زندگی؛ طنزی که احتمالاً برای مخاطب تداعی‌کننده خاطره‌ای از زندگی خود یا اطرافیانش است و لبخند روی لبش معمولاً از همذات‌پنداری عمیق آن اتفاق و شخصیت‌ها و داستان‌های صدقی است.

در این ایامی که کتاب با چاشنی یا درونمایه طنز کم است و طنز اساساً از شکل فاخر آن به لودگی شبیه شده است، صدقی حرفی برای زدن دارد، به شرطی که بتواند کمی از یکنواختی روند داستان‌هایش بکاهد و شاید بتوان گفت جزو نویسنده‌های برجسته این حوزه قلمداد خواهد شد. نقطه اوج «دومین نشان مردی» در صفحات آخر کتاب است. زمانی که همه چیز لو رفته و احتمالاً مخاطب تمام حدس‌هایش را زده است. نه غافلگیری در کار است و نه هیجان. حتی به ظاهر معماها و تعلیق‌های بین فصول هم نتوانسته اوج و فرودی به رمان بدهد. رمان خطی پیش می‌رود و خطی به پایان می‌رسد اما شخصیت‌ها درست سر جای خودشان قرار گرفته‌اند، واقعی جلوه می‌کنند و روان‌نویسی و یکدستی قلم نویسنده، راحت‌خوانی و دوری از جملات سخت، عناصر پیش‌برنده و برگ برنده صدقی در داستان است. دومین نشان مردی پرحرفی ندارد اما بعضی توضیحات بود و نبودشان در روند داستان موثر نیست و احتمالاً این موضوع رمان را کمی کسل‌کننده کند. ارتباط بین نام رمان و روند قصه به مرور از بین می‌رود. شاید عادت انتخاب زنجیره‌وار اسم رمان‌های قبلی صدقی منجر به تصمیم او برای انتخاب چنین اسمی شده است: آبنبات هل دار، آبنبات پسته‌ای، آبنبات دارچینی و آخرین نشان مردی، دومین نشان مردی.

طراحی جلد کتاب مثل محتوا و متن آن ساده و بی‌پیچیدگی است. تمام نمادهای روی جلد بعد از خواندن آن برای مخاطب روشن و واضح‌تر می‌شود و هرکدام را به موضوع داستان مرتبط می‌کند.

تیترواره‌های قرمز رنگ طی رمان آن را جذاب کرده و گاهی به زیبایی طنز و متن افزوده است اما انتخاب رنگ قرمز و برگ‌های کاهی کتاب شاید کمی چشم را خسته کند. نقاشی‌های ریسه و چراغ داخل کتاب به جای افزودن به طنز کتاب، کمی آن را به کتاب‌های کودکان و نوجوان نزدیک کرده است. دومین نشان مردی بیشتر شبیه سریال‌های طنز صدا و سیماست؛ قرار است مدتی سرگرم‌ت کند و انتهایش هم با عروسی و شادی به پایان برسد. البته عبارت انتهایی کتاب از زبان نویسنده گویای این است که خود صدقی هم چنین تصمیمی داشته است با نوشتن: «عشق پاک و دیرین‌تان جاودان».

صدقی با این‌که در تعلیق و کشش رمان چندان موفق نبوده اما در احترام به مخاطب و جذب آن موفق شده است. مخاطب رمان صدقی همین خود ما هستیم بدون پوسته‌های عجیب و غریب و نقاب‌های شکل. ❏



برگ سبز خودرو پراید جی تی ایکس‌ای، مدل ۱۳۸۹، به رنگ نوک مدادی-متالیک، شماره انتظامی ایران ۴۳-۳۵۵ ن ۳۶ شماره موتور 3843984 و شماره شاسی S1412289693509 به نام سعید الهیاری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

اینجانب پریسا عباسی مالک خودرو برلیانس H330 به شماره موتور BM16LB*H030551 و شماره شاسی NAPH320BBJ1019564 به علت فقدان اسناد فروش خودرو تقاضای رونوشت‌المنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

برگ سبز خودرو سواری سایپا مدل ۱۳۹۶ شماره موتور M15/8424988 شماره شاسی NAS831100H5722865 شماره پلاک ۱۷۳-۱۳۱۸ متعلق به محمد علی بهاری مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.